ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
یک شنبه • ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۰
۲۶ رمضان ۱۴۴۲ • ۹ می ۲۰۲۱
شماره ۲۰۶۵۵
۱۸۷۵
زندگی سلام

نان تست، بوم نقاشی زن سرشناس ژاپنی!

گفت‌وگوی اختصاصی با بانوی هنرمند ژاپنی که برای تزیین هر غذا به اندازه طراحی یک اثر هنری وقت می‌گذارد و نتیجه کارهایش توجه مردم جهان را به خود جلب کرده است

مهدیس مرادیان | روزنامه‌نگار

پرونده

غذا موضوعی بسیار جدی در ژاپن است. توکیو با ۱۴ رستوران سه ستاره میشلن (بنیادی فرانسوی که معتبرترین سازمانی است که به ارزیابی رستوران‌ها در جهان می‌پردازد و بیش از ۱۰۰ سال قدمت دارد) بیش از هر شهر دیگری در دنیا حتی پاریس، رستوران‌های تراز اول را در خود جای داده است. شیوه آشپزی ژاپنی، یکی از سه نوع آشپزی ملی سنتی در جهان است که توسط سازمان ملل به دلیل اهمیت فرهنگی‌شان ثبت شده است. در این بین، مراحل آماده‌سازی و ارائه غذا در فرهنگ غذایی ژاپن به اندازه خود غذا اهمیت دارد. آشپزهای ژاپنی با در نظر گرفتن فصل‌ها، موادی را انتخاب می‌کنند که در زمان مصرف، بهترین طعم خود را دارند و با شرایط فصلی که در آن ارائه می‌شوند، کاملا هماهنگ‌اند. اگر به عنوان مثال در فصل بهار به این کشور سفر کنید، بیشتر غذاهایی که خواهید خورد، طعمی تلخ و نسبتا تیز خواهند داشت که مختص این فصل است. نکته دیگر قابل ذکر، اهمیت تزیین غذا از نظر ژاپنی‌هاست، هر غذای ژاپنی همچون یک اثر هنری است. مانامی ساساکی، طراح و هنرمند ۲۸ ساله‌ای است که در یک شرکت طراحی در توکیو مشغول کار است. او صبح یکی از روزهای قرنطینه بعد از شیوع کرونا، صرفا برای سرگرمی مشغول طراحی روی نان تست صبحانه‌اش شد و این کار را در روزهای متمادی انجام داد و عکس مجموعه آثارش را در اینستاگرام خود با عنوان «در خانه بمانید» به اشتراک گذاشت، مجموعه‌ای که با استقبال مردم بسیاری از کشورهای مختلف دنیا مواجه و پربازدید شد. او روزانه از قطعات نان تست برای پیاده کردن تصورات مقطعی با مضامین مختلف استفاده و آثار هنری را بر اساس یک موضوع متفاوت خلق می‌کند، از یک باغ سنگ ژاپنی گرفته تا پروژه‌های کاشی که به سفارش شرکت سرامیک‌سازی ایتالیا خلق کرد. ساساکی برای ایجاد تست‌های هوس‌برانگیزش از موادی مانند خامه ترش، آجیل، گوجه‌فرنگی و حتی برگ طلای خوراکی استفاده می‌کند. مشتاق برقراری ارتباط با او بودم و این اشتیاق زمانی به اوج خودش رسید که به تمایل او برای تعامل و آشنایی با فرهنگ غذایی سایر کشورها پی بردم، پس به مدد آوازه خوش خوراک‌های بومی ایران و کنجکاوی مانامی راجع به آن‌ها در پرونده امروز زندگی سلام با او گفت‌وگویی داشتیم که در ادامه خواهید خواند.

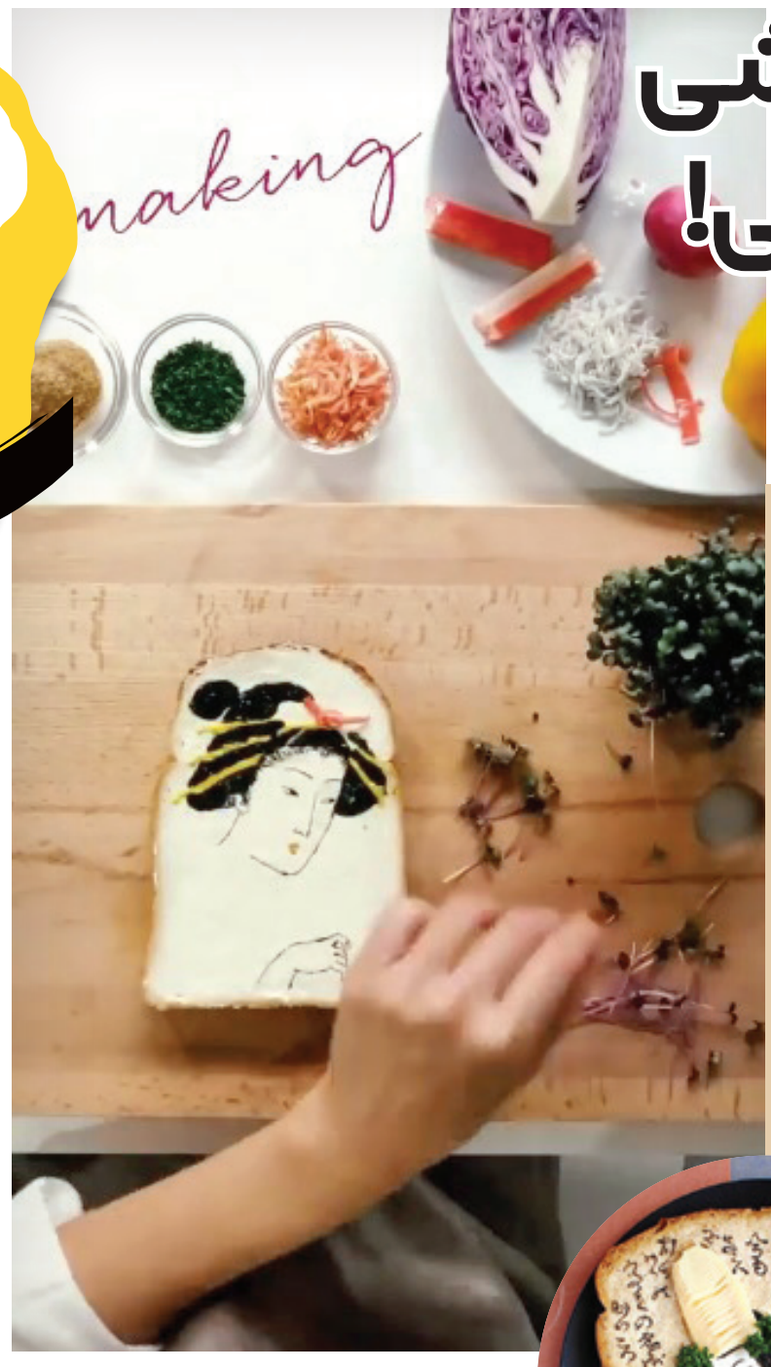

از مواد مصنوعی و رنگ غذا استفاده نمی‌کنم

او درباره انتخاب نان به عنوان بوم نقاشی می‌گوید: «پخت نان تست، آن را از یک وعده غذایی به یک اثر هنری تبدیل می‌کند. در این مرحله تغییر شکل و رنگ مواد تشکیل‌دهنده در طول زمان پخت با رایحه خوش عطر نان تلفیق می‌شود و تکمیل کننده این اثر هنری است. استفاده از مواد در عین حفظ مشخصات آن (رنگ و بافت) و جذابیت ترکیبات برای تکمیل هنر، مواردی است که برای من از اهمیت زیادی برخوردار است. طراوت مواد در حفظ زیبایی رنگ و شکل مهم است. من از یخچال و فریزر برای نگه‌داری و همچنین فرم دادن به مواد اولیه استفاده می‌کنم و معتقدم سالم بودن غذا مهم‌ترین اولویت درباره آن است، به همین دلیل برای ایجاد نقش و نگارها و کنار هم قرار دادن جزئیات از مواد مصنوعی و رنگ غذا استفاده نمی‌کنم چون تمام مواد قبل از تبدیل شدن به یک اثر هنری، مواد تشکیل‌دهنده یکی از وعده‌های غذایی من هستند و من آن‌ها را بر اساس خوشمزه بودن انتخاب می‌کنم و معتقدم بخشیدن طعمی خوشمزه به غذا در واقع مسئولیت من در قبال آن خوردنی است.»

ابزار کار من، نان تست، چاقو و سوزن است

انتخاب مدیوم‌های او بیشتر به فهرست مواد غذایی شباهت دارد تا وسایل هنری. او از هر چیز و همه چیز استفاده کرده است. جوهر ماهی مرکب، تربچه، هویج، پاپریکا، سس مایونز و حتی برگ طلای خوراکی. خودش در این باره می‌گوید: «ابزار مدنظر من برای کار شامل نان تست، چاقوی کره‌خوری و سوزن است و حاصل آن یک نان تست اشتهابرانگیز است که همه بخش‌های آن، خوردنی است.» از او درباره شگفت‌آورترین ماده‌ای که برای خلق تابلوی نان تست استفاده کرده است، می‌پرسم که پاسخ می‌دهد: «من در گذشته از مواد مختلفی استفاده کرده‌ام اما جوهر ماهی مرکب یا جوهر اسکوئید و پودر داشی، خیلی خوب با نان تست ترکیب شدند. من معمولا جوهر ماهی مرکب را همراه یک محصول رشته‌ای استفاده می‌کنم. طعم و رایحه جوهر ماهی مرکب به خوردن نان تست می‌رود و آن را مرطوب می‌کند و طعمی باورنکردنی به آن می‌بخشد.»

۵ ساعت برای آماده کردن صبحانه وقت می‌گذارم!

«آماده کردن صبحانه آن هم زمانی که در حال نبرد با تمایل برای چرت بیشتر هستید، دشوار است. ما معمولا حاضریم از زیر هر کاری شانه خالی کنیم تا چند دقیقه بیشتر بخوابیم»، او با این مقدمه می‌گوید: «یک نان تست از زمان تصمیم‌گیری درباره موضوع نقاشی تا زمانی که آماده خوردن شود، حداقل سه ساعت زمان لازم دارد. بنابراین شب قبل در خصوص موضوع و محتوای طرح تصمیم می‌گیرم و کارهای خرید و آماده‌سازی را از قبل انجام می‌دهم. معمولا صبحانه را ساعت ۹:۳۰ می‌خورم بنابراین حدود ساعت ۵ صبح از خواب بیدار می‌شوم تا به تمام کارهایم برای خلق یک اثر هنری روی نان تست برسم.»

این اثر هنری‌ام، درباره دیدن زیبایی است در نقصان

او درباره اثر هنری مورد علاقه‌اش که روی نان تست طراحی کرده، می‌گوید: «یکی از آثار هنری خوراکی قابل توجه‌ام در این مجموعه، نان تست kintsugi است که منشأ آن به روش سنتی ژاپنی در ترمیم سرامیک‌های شکسته با فلزات گرانبها مانند طلای مایع یا نقره برمی‌گردد. زمانی که مرمت‌کار ژاپنی می‌خواهد جسم شکسته‌ای را مرمت کند، در بیشتر مواقع ترک‌های آن را با طلا پر می‌کند. ژاپنی‌ها معتقدند وقتی چیزی صدمه می‌بیند، باید خیلی زیباتر از قبل آن را تعمیر کرد. به این هنر باستانی ژاپنی‌ها «کینتسوگی» می‌گویند. کینتسوگی تاییدی است بر ترک‌ها و زخم‌ها و نه شرم از آن‌ها، دیدن زیبایی است در نقصان و گردن گذاشتن است به تغییر» در این جا، ساساکی نان تست را برش داده و بخش‌های جدا شده را با ورق طلای خوراکی به هم متصل کرده است. در این طرح از خامه ترش به عنوان پایه استفاده شده و یک طرح هنرمندانه در پایین نان تست با استفاده از سس گوجه‌فرنگی کشیده شده است.»

تبادل فرهنگی به صرف یک برش نان تست

در قسمتی از کتاب هنر درمان اثر دوباتن می‌خوانیم: «ما علاقه‌مندیم خودمان را با هنر بنمایانیم، دیگران را با شخصیت خود آشنا کنیم به گونه‌ای که شاید کلمات اجازه ندهند. آثار هنری در واقع رسانه‌ای‌اند که با آن‌ها خودمان را می‌شناسیم و به دیگران اجازه می‌دهیم بیشتر درباره ما بدانند.» از زمان دیده شدن این نان‌های تست هوس‌برانگیز در شبکه‌های اجتماعی افراد زیادی از سراسر جهان آثار او را دنبال می‌کنند. او درباره افزایش سریع مخاطبانش به خصوص در شبکه‌های اجتماعی، می‌گوید: «طعم و ظاهر متنوع غذاها در ژاپن عاملی است که توجه مردم دیگر کشورها را به فرهنگ غذایی سرزمین من جلب می‌کند. بیشتر طرفداران من خارج از ژاپن هستند و بسیار خوشحالم که می‌توانم با آن‌ها ارتباط برقرار کنم. نمی‌دانید چقدر ارزشمند است که فرهنگ ژاپنی، غذاهای ژاپنی و طرز تفکر یک ژاپنی را از طریق هنر نقاشی روی نان تست به جهان معرفی کنم.»

به فست‌فود و غذاهای منجمد وابسته بودم

این هنرمند با الهام از سنت‌های هنری ژاپن و بهره‌وری از قوه تخیل و قدرت تصویرسازی خود با چنگال و خامه ترش، باغ طراحی می‌کند، با پودر، خزه می‌کشد، از آجیل برای تصویرسازی کوه استفاده می‌کند و.... به همین ترتیب و در اوج مهارت سس گوجه‌فرنگی، مارگارین، برگ‌های نعناع و خردل را با هم ترکیب و به یک سرزمین تبدیل می‌کند. او در این باره می‌گوید: «افراد معمولا اهمیت زیادی برای وعده‌های غذایی قائل نیستند. قبل از همه‌گیری کرونا، روزها آن قدر پر کار بودم که به سختی زمان خالی برای خوردن یک میان‌وعده سبک پیدا می‌کردم و حتی گاهی مجبور می‌شدم در طول روز لب به غذا نزنم و فقط از فست‌فود، غذاهای منجمد یا نیمه آماده استفاده کنم و تصور می‌کردم با این کار زمان بیشتری برای رسیدگی به کارهایم ذخیره می‌کنم و زندگی کم‌مشغله‌تری خواهم داشت. اما در این شرایط، من یاد گرفته‌ام که برای ریتم روزم ارزش قائل شوم. صبح زود از خواب بیدار می‌شوم و وقتم را صرف آماده کردن وعده‌های غذایی‌ام می‌کنم و تحت تاثیر ارزش ناشی از وقت گذاشتن برای انجام این کار احساس آرامش می‌کنم.»

انجام این کار، حسم را به زندگی بهتر می‌کند

ضرورت هنر آن جا نمود پیدا می‌کند که درمانی برای مصائب انسان در زندگی است. هنر به شکل کنونی با نوازش چشم انسان چنان تاثیری بر خلقیات مخاطب دارد که انکار کردنی نیست. ما معمولا خودمان را با هنر مشغول و آرام می‌کنیم. کووید ۱۹ به بسیاری از افراد انگیزه داده است تا خلاقیت خود را به سطح بالاتری ارتقا دهند و نوآور و خلاق باشند. این هنرمند ژاپنی هم درباره پیامی که با هنرش به جامعه در اوج شیوع بیماری کرونا انتقال می‌دهد، می‌گوید: «من مطمئن هستم که همه در طول دوران همه‌گیری کرونا اوقات ناآرامی داشتند و سبک زندگی آن‌ها تغییر کرده است. ممکن است افسرده یا حتی ناامید شده باشند. با این حال، ایجاد یک عادت خوب می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا احساس بهتری به زندگی پیدا کنند. مواقعی وجود دارد که من هم احساسات مختلفی مثل خشم، ناامیدی، سرخوردگی و یاس را تجربه می‌کنم. حتی در آن مواقع هم می‌توانم با انجام کارهای هنری حالم را تغییر دهم و روحیه خود را حفظ کنم. عادت‌های خوب هر چه باشند مفید هستند. خواه پخت و پز باشد، انجام تمرینات بدنی یا مراوده، تعامل و احوال‌پرسی با دیگران. سعی کنید هر روز مفهوم تازه‌ای را کشف کنید و با ارتقای توانایی‌هایتان خود را در محیطی قرار دهید که احساس امنیت می‌کنید.»

چطور آثار هنری خود را می‌خورید؟

شاید این اولین سوالی باشد که با دیدن این آثار به ذهن خطور می‌کند، این زن ژاپنی در این باره توضیح می‌دهد: «البته! من آن‌ها را برای خوردن درست می‌کنم. مهم است که این اثر هنری خوشمزه باشد. وقتی نان تست برشته می‌شود، آن لحظه‌ای است که از یک اثر هنری به صبحانه تغییر می‌کند و باعث می‌شود برای چشیدن آن لحظه‌شماری کنم.» او در توضیح منشأ زایش ایده‌های خارق‌العاده طرح‌هایش هم می‌گوید: «هنگام قدم زدن در سوپرمارکت، بسته به این که کدام رنگ‌ها و بوها من را ترغیب کنند، درباره مواد تشکیل‌دهنده نان تست صبحانه تصمیم می‌گیرم. به فرهنگ، پیشینه طراحی در ژاپن و موضوعاتی از این دست از صمیم قلب علاقه‌مندم و فکر می‌کنم این جریان از من به عنوان خالق اثر به مخاطب می‌رسد و هدفم به او منتقل می‌شود.»

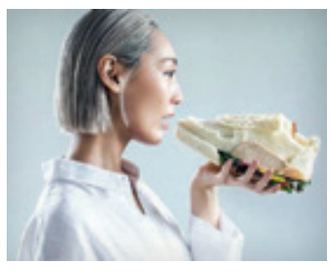

دهقان فداکار نسخه ۱۴۰۰

پرونده

یکی از افراد حاضر در ماجرای نجات قطار گرمسار از سیل که یاد دهقان فداکار را زنده کرد، لحظه‌لحظه ماجرای پراسترس آن روز را روایت می‌کند

مجید حسین‌زاده | روزنامه‌نگار

ویدئوی تکرار ماجرای «دهقان فداکار» در مسیر قطار گرمسار به فیروزکوه در شبکه‌های اجتماعی بازدید زیادی داشت و مورد تمجید کاربران فضای مجازی قرار گرفت. بارش کم‌سابقه باران در حبله‌رود گرمسار و منطقه محمودآباد، باعث جاری شدن سیل شد و اگر دلسوزی چند نفر از اهالی آن منطقه نبود، به طور قطع حادثه‌ای برای قطاری که از آن جا عبور می‌کرد، پیش می‌آمد. «عباس کریمی» ۴۱ ساله، ویدئوی پربازدید آن روز را ضبط کرده و از نزدیک، شاهد ماجرا بوده است. در ادامه با او درباره ماجرای نجات قطار از سیل در روز ۱۵ اردیبهشت، گفت‌وگویی داشتیم که خواهید خواند.

سیل در ۶ دقیقه اتفاق افتاد

کریمی درباره شروع سیل در آن روز می‌گوید: «قبل از شروع باران، من و خانواده‌ام بیرون از خانه بودیم. به محضی که به خانه رسیدیم، باران شروع شد. خانه ما در بلندی روستا قرار دارد. شاید یک دقیقه پس از شروع باران، برادرم به من زنگ زد و گفت عباس جان، خودت و خانواده‌ات از خانه بزنید بیرون که از بالادست، سیل راه افتاده و تا چند دقیقه دیگر به روستای شما می‌رسد. سیل کلا در ۶ یا ۷ دقیقه اتفاق افتاد و انصافا سیل وحشتناکی هم بود.»

دیدم که سیل زده روی خط راه‌آهن

«تا از خانه بیرون آمدیم، دیدم که سیل زده روی خط راه‌آهن»، کریمی با این مقدمه می‌گوید: «بعدش به زن و بچه‌ام گفتم شما بروید کمی دورتر، من بروم جای ریل که پل آن در حال خراب شدن است و سیل دارد آن را نابود می‌کند. من چون آن جا زندگی می‌کنم، می‌دانستم تقریبا همان موقع یک قطار از این مسیر عبور می‌کند. شروع کردم به داد و فریاد و چند نفری را صدا زدم تا با هم برویم روی ریل.»

یک دقیقه فرصت داشتیم که قطار را متوقف کنیم

او درباره نزدیک شدن قطار به پلی که سیل در حال تخریب آن بود، می‌گوید: «به محض این که نزدیک پل شدیم، دیدم قطار از داخل تونل خارج شد و نهایتا یک دقیقه فرصت داشتیم تا قطار را متوقف کنیم وگرنه معلوم نبود چه اتفاقی برای سرنشینان آن می‌افتاد. البته این را بگویم که فکر می‌کردیم قطار مسافربری باشد اما بعد از متوقف کردن آن، متوجه شدیم که باری است اما نجات جان سه سرنشین آن و مانع شدن از خسارتی که به قطار وارد می‌شد، برای ما مهم بود.»

قطار بوق هشدار می‌زد که کنار برویم اما خطر کردیم

کریمی درباره این که در آن یک دقیقه که فرصت داشتند تا قطار را متوقف کنند، چه کردند؟ می‌گوید: «سیل هر لحظه وحشتناک‌تر می‌شد. چند نفری که همراه من بودند، به سمت قطار دویدند تا آن را متوقف کنند. علاوه بر این که هر لحظه پل داشت خراب و سنگ‌هایی از گوشه و کنارش جدا می‌شد، اگر قطار روی پل می‌رسید، چه بسا که سیل یک یا چند واگن را با خودش می‌برد. بچه‌ها همان‌طور که در فیلم دیدید، جان‌شان را به خطر انداختند تا قطار را متوقف کنند اما قطار، مدام بوق هشدار می‌زد که کنار برویم اما ما مجبور بودیم ریسک کنیم. قطار تصمیم به ایستادن نداشت. یکی از افراد گفت من می‌روم وسط ریل می‌ایستم تا راننده لکوموتیو ما را ببینید. به محض این که قطار ما را دید، شروع کرد به زدن بوق هشدار تا ما کنار برویم اما وقتی دید ما کنار نمی‌رویم، مجبور شد توقف کند.»

نمی‌خواستیم حادثه ۳۰ سال پیش تکرار شود

کریمی درباره خسارت‌های این سیل هم می‌گوید: «لطفا بنویسید تا همه به خصوص مسئولان بدانند که به خاطر این سیل بیش از ۱۵۰ هکتار از باغ‌های مردم منطقه ما نابود شده است. سیل وحشتناکی بود، به درخت‌های ۳۰ و ۳۵ ساله خسارت زیادی وارد شده است. درباره عاقبت این قطار هم بگویم، سیل که کم شد و رفت زیر پل، سریع به راننده قطار گفتیم که از این جا عبور کند چون شاید دوباره سیل شدت می‌گرفت و حادثه‌ساز می‌شد. یادم هست ۲۵ یا ۳۰ سال پیش، ۳ یا ۴ کیلومتر پایین‌تر از همین جا، سیل ریل را با خودش برد و وقتی قطار به آن جا رسیده بود، از روی پل آویزان شده بود. نمی‌خواستیم حادثه ۳۰ سال پیش تکرار شود که خدا را شکر موفق شدیم و البته این کار را وظیفه خودمان می‌دانستیم.»